

## رقعاتِ حزین

عارف نوشاهی\*

برگ سبز برای استاد دکتر محمد رضا شفیعی کدکنی

در خرداد ۱۳۸۱ باز دیگر سعادت‌ی بود که در تهران ساعتی در محضر استاد دکتر محمد رضا شفیعی کدکنی باشم و از افاضات ایشان بهره‌مند شوم. صحبت از حزین به میان آمد؛ به ایشان گفتم که مجموعه‌ای از رقععاتِ حزین در دست دارم. با شنیدن این خبر چهره‌ی استاد خندان‌تر شد و تأکید و اصرار فرمودند که حتماً آن را چاپ کن. اینک دو مجموعه رقععاتِ حزین یکجا به‌روش طلبگی عرضه می‌گردد. هرچند شایستگی آن را ندارد که به خدمت استاد تقدیم گردد؛ اما به‌خاطر وابستگی استاد به مطالعات حزین و ارادت دیرینه بنده به حضرت ایشان، دست به این جسارت زدم.

### پیشگفتار

شرح احوال شیخ محمد علی حزین لاهیجی (۱۱۸۰-۱۱۰۳ هـ) که نیمه اول زندگانش را در ایران و نیمه دوم آن را - از ۱۱۴۷ هجری به بعد - تا واپسین نفس در شهرهای پاکستان و هند و به‌سربرد و همین‌جا در بنارس هند به‌زیر خاک رفت، کم و بیش در همه تذکره‌های معاصر آمده است.<sup>۱</sup> دیدگاه‌های شعرشناسی و وقوف او به دانشهای بلاغی را می‌توان در یک سلسله کتب نقد ادبی دریافت که در دفاع و رد او نگاشته شده

---

\* پژوهشگر پاکستانی (مقیم ایران).

۱. مثلاً سروآزاد تألیف میر غلام علی آزاد بلگرامی، ریاض‌الشعرا تألیف علی قلی خان واله داغستانی، مجمع‌النفایس تألیف سراج‌الدین علی خان آرزو و سفینه خوشگو تألیف بندرین داس خوشگو که هر چهار تذکره در حین حیات حزین تألیف شده شرح حال او را در برمی‌دارند.

است<sup>۱</sup>. علاوه بر تذکرها و کتب نقد، مأخذی که می‌تواند در پی بُردن خصیصه‌های شخصی حزین و برخی نظریات ادبی او سودمند باشد، نامه‌های دوستانه اوست که به معاصران و دوستان خود نوشته بود. چون شخص حزین محترم بوده، نامه‌های او نیز مُهم تلقی شد و دوستانش نامه‌هایش را در مجموعه‌هایی گردآوردند و نسخه‌هایی تهیه کردند. اگر تمام این نامه‌ها به دست آید و در یک کتاب تدوین شود، قطعاً تصویر روشنتری از اوضاع و احوال حزین و نظریات او به دست خواهد آمد که تا به حال فقط نیمی از این تصویر او در تذکرها و کتب محاکمات ادبی کشیده شده است.

حزین با وجود همه  
بدگویی‌ها از هند و هندیان،  
به‌ثواب فائز دهلوی سخت  
ارادت و علاقه داشت.

### نامه‌های حزین

مجموعه یکم، اشرف علی خان متخلص به «گستاخ» فرزند میرزا عطا محمد خان فرزند ممتازالدوله نظیر علی خان بهادر صمصام جنگ بن عمادالدوله مختارالملک جهانگیر قلی خان بهادر احتشام جنگ در ۶ ربیع‌الاول ۱۲۲۵ هـ/ ۱۱ آوریل ۱۸۱۰ م در لکهنو تدوین کرد. شامل ۴۴ نامه؛ از این مجموعه نسخه‌هایی به شرح زیر شناسایی شده است.

۱. نسخه سبجان: گنجینه سبجان الله، کتابخانه مولانا آزاد دانشگاه اسلامی علیگره، هند، شماره ۸۹۱/۵۵۲۸/۹ با تاریخ کتابت ۱۸ ربیع‌الاول ۱۲۲۵ هـ. عکس این

۱. برای کتبی در رد حزین باید به دو اثر خان آرزو تنبیه‌العافلین و احقاق‌الحق و نیز محاکمات‌الشعرا تألیف محمد محسن اکبرآبادی مراجعه کرد و در دفاع از حزین، امام بخش صهبایی قول فیصل و اعلاء‌الحق را نگاشته که در واقع پاسخ خرده‌گیری‌های خان آرزو است. فتح الله گردیزی (م: ۱۲۲۴ هـ) نیز در ابطال‌الباطل جواب اعتراضات خان آرزو در تنبیه‌العافلین را داده است. دکتر نجم‌الرشید در طی مقاله‌ای به‌عنوان «سه رساله در نقد ادبی» ابطال‌الباطل را همراه با احقاق‌الحق و اعلاء‌الحق چاپ کرده است. رک: مجله سفینه، نشریه گروه زبان و ادبیات فارسی دانشکده خاورشناسی، دانشگاه پنجاب، لاهور، جلد ۱، شماره ۱، سال ۱۳۸۲ ش، ۲۰۰۳ م، ص ۷۱-۹۲. دکتر محمد رضا شفیع کدکنی در شاعری در هجوم منتقدان، تهران، ۱۳۷۵ هجری مباحث رد و دفاع از حزین را یکجا آورده است و نظر انتقادی نقادان هندی در باب شعر را ستوده است.
۲. نیز رک: سید کامل حسین، فهرست نسخ قلمی عربی، فارسی و اردو سبجان الله اورینتل لائبریری مسلم یونیورسیتی علیگره، مطبع مسلم یونیورسیتی، علیگره، ۱۳۴۸ هـ/ ۱۹۲۹ م، ص ۵۳ و چکیده نامه‌ها در Khatak, Sarfaraz Khan, Shaikh Muhammad, 'Ali Hazin, His Life, Times and Works, Lahore, 1944, pp.185-88.

- مجموعه را در کتابخانه آرشیو ملی پاکستان، اسلام‌آباد، شماره Mss/628 به دست آوردم و در مقاله حاضر از آن استفاده کرده‌ام.
۲. **نسخه ملی:** کتابخانه ملی پاکستان، اسلام‌آباد، شماره موقت ۱۵۱، به خط یحیی علی مشتهر به آغائی بن محمد علی خان المعروف به میرزائی هاشمی عقیلی، به تاریخ سلخ جمادی‌الثانی ۱۲۴۷ هجری کاتب بر ظهر برگ اول یادداشتی دارد بدین کلمات: "بسیار جاها به سبب غلطی منقول عنه غلط دارد، صحیح کردنی است. تحریر غره جمادی‌الثانی ۱۲۴۷ ه؛ و سپس در متن مواردی را خط زده و اصلاح کرده است. در چاپ حاضر از این نسخه نیز استفاده شده است. این نسخه را در حدود ۲۵ سال پیش نزد مرحوم احسان دانش (م: ۱۹۸۲ م)، انارکلی، لاهور دیده بودم و از آن یادداشتی برداشته بودم که در فهرست مشترک نسخه‌های خطی فارسی پاکستان تألیف احمد منزوی، اسلام‌آباد، ۱۹۸۶ م، ج ۵، ص ۶-۳۳۵ گزارش شده است. پس از وفات احسان دانش این نسخه همراه با دیگر نسخه‌های خطی او به کتابخانه ملی منتقل شد. در این مقاله از آن به عنوان نسخه بدل استفاده شده است.
۳. **به خط باری ناته:** به دستور پندت کنهیا لال، مؤرخ ۱۹ ذی‌الحجه ۱۲۵۵ ه در اکبرآباد و کانپور، این نسخه در سال ۱۹۶۶ م در دست مرحوم مسعود حسن رضوی ادیب، لکهنو بوده است<sup>۱</sup>. ولی از موقعیت فعلی آن خبر ندارم.
۴. **مجموعه دوم:** بدون نام گردآورنده، شامل ۲۵ نامه. از این مجموعه نسخه‌ای در کتابخانه دانشگاه پنجاب، لاهور، شماره pe II20، در مجموعه، برگ ۶۸ ب - ۸۰ الف قرار دارد. مجموعه به قلم سورج بهان پندت است که تذکره‌الاحوال حزین را نیز در برگهای ۲۹ ب - ۶۸ الف در برمی‌دارد و در سنه نهم جلوس محمد اکبر ثانی (= ۱۲۲۹ ه) کتابت شده است. متن آن براساس این تک نسخه تصحیح شده است.

۱. مسعود حسن رضوی ادیب، شمالی بندمیل اردو کا پہلا صاحب دیوان شاعر تو اب صدر الدین محمد خان فائر دہلوی اور اس کا دیوان، انجمن ترقی اردو، ۱۹۴۶ م، ص ۱۳۲-

## مجموعه‌ها و نامه‌های پراکنده

علاوه بر دو مجموعه فوق - که در این صفحات چاپ شده است - مجموعه‌های دیگر نیز در فهرس و منابع شناسایی شده است، ولی فعلاً در دسترس بنده نیست و نمی‌توانم اظهار نظر کنم که چه تفاوتی با دو مجموعه پیشگفته دارند. مجموعه‌ها و پراکنده‌ها که دیده و بررسی شود، به‌شرح زیر است:

۱. مجموعه‌ای بدون نام گردآورنده: در کتابخانه خدابخش پتنا، شماره فهرست فارسی ۲۲۰۱، مؤرخ ۱۱۹۵ هـ، برگ ۷۵-۱۶۹.
۲. مجموعه‌ای بدون نام گردآورنده: شامل نامه‌هایی که حزین به‌نواب یحیی خان صوبه‌دار لاهور - که در سال ۱۱۵۸ هجری صوبه‌داری لاهور داشت - نوشته بود. در کتابخانه خدابخش، پتنا، شماره ۳۷۸۴، مؤرخ (۱۴-۱۲۱۴ هـ/۱۷۹۹ م)، ۲۵ برگ.
۳. مجموعه‌ای شامل ۵ نامه که حزین در پاسخ رقعات شیخ حسن نوشته بود و ختک محتویات هر پنج نامه را به‌تفصیل آورده است. نسخه در کتابخانه خدابخش، پتنا، شماره ۴۰۷، برگ ۱۰۵ ب - ۱۱۰ ب است. چاپ جواب رقعات شیخ حسن، انتشارات علی اکبر علمی، تهران، ۱۹۶۴ م.
۴. مجموعه‌ای در کتابخانه آزاد: دانشگاه اسلامی علیگره، شماره 3 Univ 286 Per، مؤرخ ۱۲۵۷ هجری در کانپور، آغاز رقعۀ یکم: قبلۀ صورت و معنی سلامت، ارقام قلم مکرمت شمیم، ۱۰۲ برگ.

۱. عبدالمقتدر، مرآة‌العلوم، پتنا، ۱۹۴۲ م، ج ۲، ص ۱۵۱.

۲. اطهر شیر، مرآة‌العلوم، پتنا، ۱۹۴۷ م، ج ۳، ص ۱۴۶.

۳. ختک، ص ۹-۱۷۸.

۴. معصومه سالک، کتابشناسی حزین لاهیجی، نشر سایه، ۱۳۷۴ ش، ص ۴۹؛ خانم معصومه سالک خبر چاپ این مجموعه را به‌استناد علی عابدی/۳۰ نقل کرده است، اما مشخصات این مأخذ را به‌دست نداده است.

۵. مرکز میکروفیلم نور، ایران و هند، با همکاری دانشگاه اسلامی علیگره، فهرست میکروفیلم نسخه‌های خطی فارسی و عربی (جلد اول) کتابخانه مولانا آزاد دانشگاه اسلامی علیگره، هند، دهلی‌نو، ۱۳۷۹ ش، ص ۱۳۳.

۵. نامه حزین خطاب به سراج‌الدین علی خان آرزو، در گنجینه سبحان الله کتابخانه دانشگاه اسلامی علیگره، شماره 297-3/11، بی‌تاریخ، و نیز در کتابخانه خدابخش، پتنا، شماره 2351 و کتابخانه لیتون، شماره 3/46<sup>۱</sup>.
۶. نامه‌ای که حزین در جواب شخصی نوشته است. در گنجینه سبحان الله، کتابخانه دانشگاه اسلامی علیگره، شماره 297-3/11، مؤرخ ۱۲۰۱ هـ، ۵ برگ<sup>۲</sup>.
۷. رقعته‌ای دیگر در همان گنجینه است، شماره 891.5528/36، بدون تاریخ، ۷ برگ<sup>۳</sup>.
۸. رقعته‌ای به دوستی که در ریاض‌الافکار (خطی، خدابخش، گ ۴۱ ب) نقل شده است<sup>۴</sup>.
۹. نامه‌ای که حزین در ۷ شوال ۱۱۳۲ هجری در محاکمه اشعار جمال‌الدین عبدالرزاق اصفهانی و پسرش کمال‌الدین اسماعیل به دوست خود میرزا ابوطالب شولستانی نوشته بود. حزین بخشی از آن نامه را در تاریخ و سفرنامه (چاپ علی دوانی، تهران، ۱۳۷۵ ش، ص ۱۸۳-۱۸۰) آورده است و قطعه‌ای منظوم نیز در این باره در دیوان حزین لاهیجی (به تصحیح ذبیح الله صاحبکار، نشر سایه، تهران، ۱۳۷۴ ش، ص ۳-۶۵۲) وارد شده است.
۱۰. نامه‌ای از حزین در شرح بیته از حکیم خاقانی، چاپ شده در مقاله جمشید سروشیار، مجله یغما، تهران، شماره ۲۲ (۱۳۴۸ ش)، ص ۸-۲۶۵<sup>۵</sup>.

### گردآورنده رقععات

درباره گردآورنده مجموعه اول یعنی اشرف علی خان متخلص به «گستاخ» اطلاعاتی زیاد در دست نیست، جز این که با نواب صدرالدین فایز و پسرش حسن علی قرابت

۱. ختک، ص ۱۹۳.

۲. کامل حسین، ص ۵۴.

۳. ختک، ص ۱۸۴.

۴. ختک، ص ۲۰۲.

۵. معصومه سالک، ص ۸۷.

داشت. نام پدر و اجداد او با القابی که در دیباچه رَقعات آمده است می‌رساند که آنان از دولتمردان بوده‌اند. قدرت الله شوق در تذکره طبقات الشعرا (تألیف: ۱۱۸۹ هـ) شرح حال «میرزا اشرف علی گستاخ پسر عطا علی خان را آورده است که البتّه در نام پدرش با ضبطی که در دیباچه رَقعات حزین آمده است، کمی تفاوت دارد، آنچه شوق نوشته است: "میرزا اشرف علی گستاخ پسر عطا علی خان که از وکلای صاحبان فرنگ در بلده رامپور است. جوانیست وجیه، طبع رسا و فکر بجا دارد و از شاگردان حکیم صدرالدین خان موصوف. یک بیت او به نظر رسیده".<sup>۱</sup> سپس یک بیت اُردوی نقل کرده است. اگر سال تألیف طبقات الشعرا - ۱۱۸۹ هـ - را در نظر بگیریم. بعید به نظر می‌آید که گستاخ ما نماینده حکومت انگلیس در رامپور بوده باشد، زیرا در سال ۱۱۸۹ هجری هنوز حکومت شاه عالم دوّم بآبروی در هند برقرار بود و انگلیسها در شمال هند مخصوصاً در رامپور تسلّطی نداشتند.

### مخاطب رَقعات

نامه‌های این مجموعه خطاب به نواب صدرالدین محمد خان «فائز» دهلوی (م: ۱۱۵۱ هـ) و پسرش اشرف‌الدوله میرزا حسن علی خان و دیگران از جمله غلام حسن خان است. نواب فائز دهلوی از رجال شناخته شده فرهنگی و ادبی شبه قاره است و او آثار متعدّد به زبان فارسی دارد و شاعر دو زبانه - فارسی و اردو - بوده است. او در شاهجهان‌آباد (دهلی) می‌زیست. حزین با وجود همه بدگویی‌ها از هند و هندیان، به نواب فائز دهلوی سخت ارادت و علاقه داشت. تشیّع فائز را نمی‌توان در ایجاد این روابط حسنه نادیده گرفت.

نواب فائز دهلوی شرح حال اجداد خود را در رساله منہاج‌الصدر (نسخه خطی کتابخانه ناصریه، لکهنو، بی‌شماره) آورده است.<sup>۲</sup> یکی از معاصران او بهگوان داس

۱. شوق، قدرت الله، طبقات الشعرا، به تصحیح نثار احمد فاروقی، مجلس ترقی ادب، لاهور، ۱۹۶۸ م، ص ۶۱۱.  
 ۲. قاسمی، شریف حسین، «منہاج‌الصدر: امیر الامرا علی مردان اور ان کے اہل خاندان کے حالات زندگی» در یادگارنامہ فخرالدین علی احمد، گردآورده نذیر احمد، مختارالدین احمد، شریف حسین قاسمی، غالب انسٹیٹیوت، دہلی، نو، ۱۹۹۴ م، ص ۷۵-۵۴۴.

متخلص به «هندی» (زاده ۱۱۶۴ هـ، زنده ۱۲۲۰ هـ) در تذکره‌های سفینه هندی و حدیقه هندی شرح حال فائز را آورده است. ترجمه وی که در حدیقه هندی (تألیف: ۱۲۱۱-۱۲۰۰ هـ) آمده، از همه دقیقتر است و چون نسخه این کتاب منحصر به فرد است، عبارت آن تماماً آورده می‌شود:

«صدرالدین محمد خان فیض [کذا] تخلص ولد زبردست خان بن ابراهیم خان بن علی‌مردان خان مرحوم ابن گنج علی خان است؛ او از طایفه انکشت - از عشایر اکراد - و ملازم قدیم شاه عباس ماضی بود. در طفلی شاه در هرات به خدمتش می‌بود. بعد جلوس شاهی به‌حُسن خدمات و مردانگی‌ها که در فتور ازبکیه و محاربات آن طبقه ازو صدور یافته بود به‌مراتب غلیبای خانی و لقب ارجمند بابائی سرافتخار به‌فلک کشیده قریب سی سال حاکم دارالامان کرمان بود. آثار عدالت و رعیت‌پروری به‌ظهور آورده بعد تسخیر قندهار بیگلربیگی آنجا شد. در سال هزار و سی و چار بر تالاب ایوان ارگ قلعه قندهار در سریری بر حجر ایوان تکیه داشته خوابیده بود، حجر سست شده، او از میان قلعه قندهار از سریر مابین افتاد و حیات به‌قباض ارواح سپرد. بعد از زمانی خدمتگاران واقف گشتند. علی‌مردان خان نعش آن مرحوم را از قندهار به‌مشهد مقدس نقل کرده در روضه رضویه به‌خاک سپردند. علی‌مردان خان خطاب خانی یافته به‌جای پدر بیگلربیگی قندهار شد. بعد چند سال به‌جهت عداوت شاه ایران و ترس جان به‌هندوستان آمده در سلک امرای شاهجهان پادشاه منتظم گشته و قلعه قندهار پیشکش کرده مدتها به‌کمال اقتدار و احتشام به‌سر کرده درگذشت. همچنین ابراهیم خان و زبردست خان در زمان فرمانروایی عالمگیر پادشاه به‌نظامت و ایالت اکثر اطراف هندوستان مثل کشمیر و گورکھپور و غیره ممتاز بودند. خودش نیز به‌منصب و امارت و جاگیر مناسب سرفرازی داشت. اگرچه به‌مرتبه آبا و اجداد نرسیده لیکن به‌رفاه و جاه به‌سر می‌برد و جامع اکثر علوم بود. خصوصاً [در] اعمال سیمیا و صنایع و بدایع کمال مهارت داشت و بسیار کوچک دل و عظیم‌الاخلاق و به‌جوهر همّت و شجاعت عدیم‌المثال بود و با جناب شیخ محمد علی حزین - علیه‌الرحمه - خیلی مربوط بود و جناب شیخ

تعریف طبع ایشان می‌فرمودند. در زمان سلطنت محمد شاه پادشاه به رحمت حق پیوست. از تألیفاتش رساله‌ای در اقسام تحقیقات سمیات است به جهت تجربه و آزمایش زهر هر یک مار. چند افسونگر مارگیر نوکر داشت و هر نوع مار گرفتار و به زهر مهره و دیگر تریاق آزموده و آن را به شرح و بسط مفصل در آن رساله مندرج ساخته و پنج هزار روپیه برین نسخه خرج کرده. فی الواقع چنین نسخه گاهی تألیف نگشته. کلیات ضخیم از هرگونه اشعار مثنوی و قصاید و غزلیات دارد. طبعش بسیار رسا بود<sup>۱</sup>.

فائز آثار متعدّد خطی و چاپی دارد. از آثار خطی او به‌آنچه من شخصاً مؤفّق به‌رؤیت و فهرست‌برداری شده‌ام، به‌شرح زیر است:

۱. احزان‌الصدر، دانشگاه پنجاب، لاهور، شماره Pe II-92.
۲. تبصرة‌الناظرین، همانجا، شماره Pe I-13، با یادداشت مؤلف بر ظهر برگ مؤرخ ۱۱ محرم ۱۱۳۵ ه و مهر او «صدرالدین محمد خان ۱۱۳۲ ه» و مهر فرزند او.
۳. تحریرالصدر، همانجا، شماره Ph III-116 با مهر مؤلف.
۴. زینت‌البساتین، همانجا، شماره Ph III-10.
۵. صراط‌الصدر، همانجا، شماره Pc I-10.
۶. طریق‌الصدر، همانجا، شماره Pc I-10.
- دو نسخه پیش گفته باهم در یک مجله است و امضای مؤلف با تاریخ ۱۱۳۵ ه و مهر مؤلف «صدرالدین محمد خان ۱۱۳۲ ه» را دارد.
۷. معارف‌الصدر، همانجا، شماره Pb II-3، با امضای مؤلف با تاریخ ۳۴ [۱۱] و مهر «صدرالدین محمد خان ۱۱۳۲ ه».
۸. کلیات اشعار فائز را موزه ملی پاکستان، کراچی و کتابخانه دکتر وحید قریشی، لاهور دیده‌ام و هر دو نسخه را در فهرس آن دو کتابخانه معرفی کرده‌ام<sup>۲</sup>.

---

۱. هندی، بهگوان داس، حقیقه هندی، خطی، کتابخانه آیه‌الله مرعشی نجفی، قم، شماره ۷۹۰، برگ ۱۴۲ ب - ۱۴۳.  
 ۲. عارف نوشاهی، فهرست نسخه‌های خطی موزه ملی پاکستان، کراچی، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، اسلام‌آباد، ۱۹۸۳ م، ص ۵۱۶؛ همان، فهرست مخطوطات کتابخانه قریشی، مغربی پاکستان اردو اکیدمی، لاهور، ۱۹۹۳ م، ص ۲۰.



- کلیات فائز (نسخه موزه، شماره N.M. 1958-478) رقعات الصدر نیز آمده است. ممکن است که برخی از رقعات او خطاب به حزین باشد.
۹. نبطاسیا، دانشگاه پنجاب، شماره Ph III-166، به مهر مؤلف.
۱۰. نجم الصدر، همانجا، شماره Ph III-117، با مهر مؤلف و فرزند او.
۱۱. هدایت الصدر، همانجا، شماره Ph III-15، با مهر مؤلف.

### محتویات رقعات

تمام نامه‌های حزین در مجموعه یکم در فضای شبه قاره و در شهرهای لاهور و دهلی و غیره نوشته شده است و به مسائل روزمره زندگی حزین اشاره دارد. مثلاً مشکل مسکن در هند و اظهار آرزوی بازگشت به وطن مألوف (رقعه ۱۴)؛ اظهار حاجت به سه چهار نفر خدمتگار برای خود (رقعه ۱۵)؛ حزین از کثرت عوایق در لاهور زمینگیر بوده (رقعه ۲۶)؛ گله از شدت گرما و نامساعد بودن آب و هوا (رقعه ۳۸)، علل کثرت مخارج زندگی و وضع پوشاک و خوراک حزین و نوعی تعریض به زندگی مسافروار خود (رقعه ۴۳). برخی از این نامه‌ها در دورانی نوشته شده است که نادر شاه افشار قندهار را محاصره کرده بود (رقعه ۲۰) و بعداً در ۱۱۵۱ هجری او به دهلی حمله کرد. حزین به این «هنگامه» نیز اشاره دارد (رقعه ۴۳). بدین لحاظ ارزش تاریخی این نامه‌ها نیز دست کم از اهمیت اجتماعی نیست. از دیگر نوشته‌های حزین<sup>۱</sup> و اقوال تذکره‌نویسان می‌دانیم که حزین از هندوستان دلخوشی نداشت. از رقعات او نیز نیک پیداست که همیشه برای بازگشت به ایران مصمم بود و حتی مسیر بازگشت خود را نیز در نظر گرفته بود که از راه لاهور و ملتان و قندهار به خراسان خواهد رسید. او از سفر کشتی (احتمالاً از دریای عمان) می‌گریخت (رقعه ۲۰). ولی این تصمیم ظاهراً جامه عمل را نپوشید و ضعف و بیماری او مانع سفر بازگشت آمد (رقعه ۳۶).

۱. حزین در تاریخ و سفرنامه حزین، به تصحیح علی دوانی، تهران، ۱۳۷۵ ش، ص ۲۶۸ وقایع محاصره قلعه قندهار به دست نادر شاه آورده و در ص ۲۷۰ به بعد «سخنی چند متعلق به احوال هندوستان» دارد که در آن از احوال خود در شهرهای شبه قاره و مشکلات زندگی خود در آنجا (تا سال ۱۱۵۴ ه) نالیده است.

مجموعه دوم رَقعات حزین که از تک نسخه لاهور تصحیح شده است. نیز همان حال و هوا را دارد که مجموعه یکم گردآورده گستاخ. نامه‌های این مجموعه هم در فضای شبه قاره تحریر شده است. متأسفانه مخاطب یا مخاطبان نامه‌ها مشخص نیست. در این مجموعه نیز علاوه بر مسائل فرهنگی و شعری، می‌توان به اوضاع و احوال شخصی حزین پی بُرد. حزین به نواب فائز دهلوی بسیار وفادار بوده و پس از وفات او نگران پسرش میرزا حسن علی بوده است. در مجموعه گستاخ نامه‌هایی در دلداری او نگاشته شده و در مجموعه دوم نیز به مخاطب خود سفارش او را کرده است (رقعه ۴۷)؛ حمله نادر شاه به دهلی، در جامعه هند تأثیر منفی داشته است (رقعه ۴۸) و برخی مطالب دیگر تاریخی در همین زمینه را نیز می‌توان در این مجموعه یافت (رقعات ۵۰، ۵۷، ۵۸، ۵۹، ۶۰، ۶۲، ۶۴).

### رجال رَقعات حزین

در هر دو مجموعه کسان ایرانی و هندی مشترکاً مطرح شده است، ماسوای چند رجال که مخصوص به یک مجموعه است. اسامی برخی رجال که مکرر مذکور شده است، به‌قرار زیر است:

الله‌وردی خان، نواب حسن علی فرزند نواب صدرالدین محمد فائز دهلوی، حکیم‌الملک، خوشحال رای، شیرافکن خان (بنده علی باسطی)، میر شهاب‌الدین، نواب صدرالدین محمد خان فائز دهلوی، میرزا عبدالرحیم، مولانا عبدالعظیم، عبدالمجید خان، علی قلی خان [واله داغستانی]، سید عمادالدین خان، غلام حسن خان، میرزا محمد افضل، حاجی محمد جعفر بیگ، محمد طاهر خان، نواب محمد قلی خان، نواب محمد مجدوالدوله، معین‌الدین، مهر علی خان، «ناظم ایران» یعنی نادر شاه افشار، سید نظام و بسیاری دیگر.

در خاتمه از دکتر خورشید رضوی (لاهور) و پروفیسور خورشید حسن خاور (راولپندی) نهایت سپاس را دارم که در قرائت اشعار و عبارات عربی یاری و راه‌نمایی فرمودند.